

## عنوان مقاله:

در جست وجوی مدلی برای ارتقای مفهوم «دلبندی به مکان» (نمونه موردی: دانشگاه هنر)

## محل انتشار:

ماهنامه باغ نظر، دوره 18، شماره 101 (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 20

## نویسندگان:

علیرضا مستغنی - دانشیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر، تهران، ایران.

مقصود فراستخواه - استاد، گروه برنامه ریزی آموزش عالی، موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، تهران، ایران.

پریناز میزبان - پژوهشگر دکتری معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر، تهران، ایران.

## خلاصه مقاله:

بیان مسئله: دلبندی به مکان از مهم ترین ابعاد رابطه انسان و مکان است و یک مکان دلبند مکانی است که از توانایی های ایجاد ارتباط و برقراری پیوند بین خود و انسان بهره مند باشد. دلبندی به مکان در رویکردها و تئوری های متعددی وارد شده و تعاریف بسیاری نیز ذکر شده است، ولی نبود تعریف دقیق و محض از کیفیت معنامندی مکان در رشته های طراحی موجب سردرگمی و بلاتکلیفی طراحان در شناخت و استفاده از عوامل ایجاد این سطح معنایی شده است. در این پژوهش، با مرور ادبیات مربوطه، ضمن تعریف این کیفیت معنامند مکانی، رابطه هم بستگی مشخصه های مکان و معنای دلبندی به مکان را، که در مطالعات پیشین تبیین شده است، تفسیر و با تکیه بر یافته های این تحقیقات، به مطالعه در این حوزه برای یافتن وجوه و عوامل مداخله گر و همچنین ابزار اندازه گیری آن و در نهایت مدلی برای ارتقای این کیفیت در مکان پرداخته شده است. هدف پژوهش: این پژوهش، در پی پاسخ به این سوال که «مولفه های سازنده دلبندی به مکان در دانشگاه هنر کدام اند؟»، بر آن است که با تکیه بر یافته های تحقیقات پیشین، مدلی برای تبیین و ارتقای کیفیت دلبندی به مکان و شناسایی خلا موجود در آنها ارائه کند و نیز راهکارهایی برای رهایی طراحان از سردرگمی و بلاتکلیفی در شناخت مفهوم دلبندی به مکان بیابد. روش پژوهش: این پژوهش با اتکا به رویکرد کیفی از روش نظریه داده مبنا استفاده کرده است. نتیجه گیری: پژوهش حاضر مدلی ارائه می کند که در آن سه محرک پس زمینه، زمینه و پیش زمینه مولفه های دلبندی به مکان در فضاهای آموزشی محسوب می شوند. در تمام پاسخ های دریافت شده از مشارکت کنندگان، چه در سوالات مربوط به تجربه شخصی فرد از مکان دانشگاه هنر و چه در سوالات کلی مربوط به تجربه شخصی فرد از زندگی، علی رغم تفاوت های موجود، همگی به هر سه محرک اشاره کرده اند که در آن محرک های «پس زمینه» به عنوان پیوند درون ذهنی و «زمینه» به عنوان واقعیت یا همان لحظه حضور انسان در مکان حضور دارند و از هم پوشانی آن دو، به همراه آرزوها و درخواست های شخصی در آن زمان محرک سوم یعنی «پیش زمینه» پدید می آید و در مجموع اکوسیستمی را ایجاد می کند که کلیه اجزا در آن نقش داشته و عامل اصلی قضاوت انسان از مکان است. اگرچه امکان مطالعه جداگانه عوامل هر یک از محرک ها (چنانچه محققان سابق این گونه به مطالعه عوامل دلبندی به مکان پرداخته اند) امکان پذیر است، با این حال در انتها و پس از ادغام آنها با یکدیگر، امکان تجزیه آنها در قالب مجموعه های ساده و تمیزشان به عناصر منفرد، وجود نداشته و هم پیوندی نهانی را در بر دارد که مبنای مفهوم دلبندی به مکان است.

## کلمات کلیدی:

مکان، دلبندی به مکان، مولفه های دلبندی به مکان، فضاهای آموزشی، دانشگاه هنر

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1301327>



